پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

به نیکمرد ارجمند س . م

حافظ چه میگوید؟..

«۱»

نیکمردی که پیش ما ارجمند است چند شب پیش کتابی بمن داد و چنین گفت «این در بارهٔ حافظ است . من دلم می خواهد شما آنرا بخوانید...» من دانستم او دلبستگی بحافظ دارد و چون کتاب در باره حافظ و شعر های اوست و ستایش هایی ازو رفته میخواهد من بخوانم . آن را گرفتم و وعده دادم که بخوانم ، و چون وعده خود را بکار بسته و آن را خوانده‌ام اینک میخواهم یک رشته گفتار هایی در آن زمینه بپردازم ، و این رشته گفتارها را بآن نیکمرد ارجمند که در اینجا بنام س . م می نامم ارمغان می‌سازم .

این کتاب بنام «حافظ چه میگوید» است و نویسنده اش یکی از جوانان درس خوانده بوده و همانا باروپا نیز رفته ، و جای افسوسست که بجای آنکه از دانش خود بهره بتوده دهد بنوشتن چنین کتابی پرداخته که جز زیان سودی از آن نتواند برخاست ، و چون داستان حافظ لغزشگاهی برای بسیاری از جوانان گردیده اینک در اینجا حال اورا روشن می گردانم :

۱ - شاعران شعر را چه میدانند؟

چنانکه خوانندگان میدانند ما منکر شعر نیستیم و نمیگوئیم شعر نباشد . گفته ما آنست که شعر خود یک خواستی نیست . چه شعر سخنست و سخن بساید تابع نیاز باشد . ما می گوییم کسی اگر مطلبی دارد، میخواهد آن را بشعر بگوید و میخواهد به نثر بگوید . ما ایرادی باو نخواهیم داشت .

ایراد ما بآنست که کسی بی آنکه مطلبی باشد تنها بنام آنکه شعری سازد بآن پردازد . ما می گوئیم : این باوه گوییست . می گوییم کسی اگر عاشق شده غزل بسراید . ولی دور از خرد است که کسی با دل آسوده بدروغ دم از عشق زند و غزل های عاشقانه بسراید .

داستان شعر از این حیث داستان خانه است . خانه برای نشستن است و هر کجا که نیازی بود باید خانه ساخت . ولی اگر کسی در یک بیابانی یا بالای کوهی که کسی در آنجا نمی‌نشیند، خانه هایی بسازد این کار او بیخردانه است .

این سخن ساده و آسانست . ولی شاعران آن را نفهمیده اند . آنان خود شعر را یک خواست جداگانه پنداشته و بی آنکه در بند نیازمندی باشند پیاپی شعر هایی از غزل و قصیده و قطعه و فرد و رباعی سروده بروی کاغذ نوشته اند ، و این رایک هنری یا یک کار سودمندی پنداشته بخود بالیده اند . کسی در تهران است وروزی در مجلسی دیدم که از مردم یکرد و چنین میگفت : «من برای این مملکت یک کرور شعر ساخته ام» .

این شیوه شاعران بوده و حافظ نیز همین شیوه را داشته . او نیز شعر را یک خواست جدا . . میشمارده و اینست هر خود را با شعر گویی و غزل سرایی بسر برده بار ها کسانی جستجو کرده که مقصود حافظ را از غزلها بیابند . باید گفت : مقصود او تنها سرودن آن غزلها بوده و این را یک کار و هنری می پنداشته و جز این مقصود دیگری نداشته است .

۲ - شاعران غزل را چگونه میسازند؟

چنانکه خوانندگان می دانند شاعران در ایران در غزل سازی بیش از هر چیزی بقافیه اهمیت می‌دهند، و اینست یک شاعری چون میخواهد غزلی بسازد نخست قافیه های آن را (یا بهتر گوییم : کلمه‌هایی را که بکار قافیه میخورد) جسته و یافته فهرست وار زیر هم یا پهلوی هم می نویسد ، مثلا : کس ، بس ، عدس ، نفس ، . . ، مگس ، هوس ، عسس ، خس ، فرس . سپس بهر یکی جمله هایی اندیشیده . . . پدید می آورد و بدینسان غزلی میسازد . راستی را رشته سخن در دست قافیه است و شاعر ناگزیر است که پیروی آن نماید .

حافظ نیز از همین شیوه پیروی می نموده و ما اینک غزلی را ازو برای گواهی می‌کنیم :

در ضمیر ما نمی گنجد بغیر از دوست کس
هر دو عالم را بدشمن ده که ما را دوست بس
یار گندم گون ما گر میل کردی نیم جو
هر دو عالم پیش چشم ما نمودی یک عدس
یاد میداری که بودی هر زمان با دیگران
ای که بی یاد تو هرگز بر نیاوردم نفس
میروی چون شمع و جمعی از پس و پیشت روان
نی غلط گفتم نباشد شمع را خود پیش و پس
غافلست آنکو بشمشیر از تو می پیچد عنان
قند را لذت مگر نیکو نمی داند مگس
خاطرم وقتی هوس کردی که بینم چیزها
تا ترا دیدم نکردم جز بدیدارت هوس
مردمان را از عسس شب گر خیالی در سراست
من چنانم کز خیالم باز نشناسد عسس
کوبت از اشکم چو دریا گشت و میترسم که باز
بر سر آید این رقیبان سبکبارت چو خس
حافظا این ره بپای لاشه لنگت نو نیست
بعد از این بنشین که گردی بر نخیزد زین فرس

این غزل را شما چون بینه بشید هر شعری از آن مطلب جداگانه ایست ؛ و ارتباط آنها با یکدیگر جز از راه قافیه نمی باشد . از آنسوی بسیاری از این شعرها جز یک معنای خنکی را در بر نمی دارد و پیدا است که مقصود شاعر تنها استفاده از قافیه بوده و چندان توجهی بمعنی جمله‌ها نداشته است .

مثلا شعر دوم که معنای بسیار خنکی دارد و بی گفتگوست که مقصود جز استفاده از کلمه «عدس» نبوده . همچنین بسیاری از شعر های دیگر بویژه شعر هشتم در خنکی و گزافه آمیزی از اندازه بیرون افتاده و پیداست که جز برای گنجایدن کلمه « خس » نبوده است .

من خواهشمندم خوانندگان آن خوش گمانی را که بحافظ دارند بکنار گذارند و نام « لسان الغیب » و دیگر ستایشهای گزافه آمیز را که در بارهٔ این شاعر شنیده اند فراموش کنند و با یک اندیشه ساده یکایک این شعرها را بسنجند و بیاز مایند تا ببینند چه معناهای پوچی از هر کدام بیرون می آید و برای آنکه باسانی این موضوع را دریابند بهتر است هر شعری را به نثر بر گردانند و با نهال با اندیشه بسپارند .

بیشتر غزلهای حافظ (اگر نگوییم یکایک آنها) از اینگونه است که شاعر تنها مقصودش ساختن یک غزلی بوده است و در این کار نیز شیوه هادی شاعران را پیروی کرده که نخست قافیه‌ها را نوشته و سپس بهر کدام جمله‌های آورده و بیتی گردانیده اینست بسیاری از شعرهای آن معنائی ندارد و پیداست که تنها برای گنجایدن کلمه قافیه سروده شده . مثلا این شعر را بینه بشید :

بعزم توبه سحر گفتم استخاره کنم
بهار توبه شکن میرسد چه چاره کنم

آیا برای توبه نیز استخاره میکنند !!. توبه کجا و استخاره کجا !!. استخاره آنست که کسی بوسیله قرآن یا دانه‌های تسبیح یا بوسیله دیگری از خدا شور خواهد که فلان کار را بکنم یا نکنم ، و این عقیده مسلمانان عامیست .

از کلمه‌های « توبه » و « استخاره » باید گفت حافظ مسلمان بوده و میخواری را گناه می دانسته . ولی نیک بینه بشید که آیا یک مسلمانی برای توبه از می استخاره می کند !! آیا این معنی دارد که یک مسلمانی از خدا شور خواهد که از می خواری توبه کنم یا نه !!. بیگفتگوست که مقصود شاعر جز درست کردن قافیه نبوده و تنها این میخواسته که از کلمه استخاره استفاده کند و آن را در غزل خود بیاورد .

در همان غزل می گوید :

اگر شبی بزبانم حدیث توبه رود
ز بی طهارتی آنرا بمی غراره کنم

آنجا شاعر مسلمان بوده و سخن از توبه و استخاره می‌رانده در اینجا باسلام توهین زشتی زده می گوید من اگر نام توبه را بزبانم بیاورم دهانم ناپاک می‌شود و آن را با غراره کردن (غرغره کردن) می پاک میکنم در اینجا نیز تنها آنرا خواسته که از کلمه «غراره» استفاده کند و آنرا قافیه آورده و تنها برای همین مقصود است که چنان مضمون بسیار پستی را یافته است

شانزده خواست آزادگان

«۱»

دیباچه

اگر چه این شانزده خواست را یکبار آقای واعظپور شرح کرده اند (و بخواهش بسیاری از همراهان آن تاریخچه و شرح جداگانه نیز بچاپ خواهد رسید) ولی چون این شانزده بند هر یکی در زمینهٔ اصلاح یکی از کار های مهم زندگانی است باید بار ها آنها را شرح کرد و در پیرامون هر یکی کتابی نوشت از اینرو فزونی نخواهد بود اگر من نیز شرح هایی بهر یکی از آنها بیفزایم .

نخست باید دید معنی « باهماد » (جمعیت) چیست و راه کار آن چه باید بود . در خور افسوست که در ایران انبوه مردم این را نیز نمیدانند و اینست به پرسشها و ایرادهای شگفتی می پردازند مثلا چندی پیش یکی از تبریز ایراد گرفته چنین مینویسد : « آزادگان تا کنون چه خدمتی بایران کرده اند ؟ ! چه کمکی باقتصاد نموده اند ؟ ! » این ایراد دلیل است که اینمردم بسیار بیمایه شده و معنی کمتر چیزی را میدانند یک « باهماد » یا جمعیت که برپا می گردد برای آنست که کسانی یکرشته اندیشه های سودمندی را بر میگزینند و چاره هایی برای دردهای کشور پدیده می گیرند و خود در پیرامون آنها دسته بندی کرده سپس در میان توده پراکنده می گردانند که دیگر غیرتمندان و خردمندان نیز با آنان همراهی می نمایند و بدینسان از یکسو اندیشه ها روشن گردیده و زمینه برای اصلاح آماده شده و از یک سو یکدسته غیرتمندان دست بهم داده اند که خواهند توانست آن اندیشه ها و چاره ها را بکار بندند . اینست معنی باهماد و راه پیشرفت آن .

ما چون پس از شهریورماه ۱۳۲۰ گرفتاری‌هایی برای ایران در میان دیدیم بهتر دانستیم که یک باهمادی پدید آوریم و یکرشته از راسترین و سودمندترین اندیشه‌ها را در میان شانزده بند گنجانیده پراکنده گردانیدیم و گروهی از مردان گزیده در تهران و تبریز و دیگر جاها دست بهم داده بپشتیبانی آنها برداختیم و یک روز نامه‌ای برای پشتیبانی از آنها بنیاد نهادیم خدا را سپاس که زمان بزمان در پیشرفت می باشیم ؛ و باید بکوشیم تا چون اندیشه ها تا حدی که می باید روشن گردد و زمینه برای بر گردانیدن آیین زندگانی آماده شود آنگاه دست بهم داده همه این شانزده ماده را روان گردانیم .

پس کسانیکه بداستان ایراد میگیرند نخست باید گفت خود گناهکاری بد کردارند که در برابر چنین اندیشه های بسیار گرانبهایی بر کناری نشان میدهند و از همراهی خودداری می نمایند . دوم باید گفت معنی باهماد را نمیدانند و کسان بسیار بیمایه‌ای میباشند .

اینگونه کسان در ایران فراوانند که چون یکدسته بکوششهایی در راه کشور پردازند آنان بدردانه در کناری ایستند و همراهی نمی نمایند . و سپس زبان بر بشخند و خرده می گشایند که شما تا کنون چه کرده اید ؟ ! . در مشروطه همین رفتار پست را از خود نمودند و جنبش بآن بزرگی را از نیرو انداختند و سپس بیشرمانه زبان بسرزنش باز کرده چنین گفتند : « پس چه شد آن مشروطه که می خواستید ؟ ! دیدید که نمیشود ؟ ! » مردان بستنهاد بوظیفه مردی و مردمی رفتار نمیکنند بس نیست که بزباندرازی هم می پردازند . جای خیرتست که آدمی تا باین پستی فرود آید ، جای حیرتست که کسی آسایش و خرسندی یکتوده بزرگی را فدای رشک و کینه خود گرداند .

مقصود از این دیباچه آنکه ما اکنون در مرحله ای هستیم که باید بیشتر این اندیشه ها پردازیم و در توده وظیفه آموزگاری را انجام دهیم .

خرده گیری و پاسخ آن

یکی با دستینهٔ «الداعی عبدالله» نامه ای نوشته و چنین میگوید : شما در جریده تان جمع بین اضداد کرده اید : زیرا از یک طرف عکسهای مشروطه‌خواهان را چاپ می کنید و طرفداری از مشروطه نشان میدهید . از یکطرف مردم را بدین دعوت میکنید ، از یکطرف نیز حمایت و تعریف از شاه سابق می نمائید . در حالیکه شاه مزبور هم مشروطه را پایمال گردانید و هم دین را معدوم ساخت . در زمان او روحانیت انقراض پذیرفت . . . »

و چون لحن نامه با فرهنگانه است و نویسنده اش گویا در مشروطه از پیش گامان بوده با همه ناشناسی بهتر میدانیم بنوشته اش پاسخ دهیم و اینست بشرح بایست می پردازیم .

نویسنده نامه اگر در مشروطه یادر میان داشته نیک میداند که مشروطه را در ایران بیش از همگی ، علما پدید آوردند . زیرا پیشگامان آن در تهران شادروانان بهبهانی وطباطبائی و سید جمال الدین افجه‌ای و شیخ محمد رضای قمی و حاجی شیخ مرتضی و دیگران بودند و از نجف نیز شادروانان آخوند خراسانی و حاجی تهرانی و حاجی شیخ مازندرانی یاوری و پشتیبانی بسیار نمودند . در آغاز جنبش انبوه علماء (اگر نگوییم همگی ایشان) هوا دار مشروطه بودند و آن را یک بیشامد خدائی میشماردند .

با اینحال چند ماهی نگذشت که میان مشروطه خواهان با ملایان کشاکش سختی برخاست ، و ملایان به پیشوائی حاجی شیخ فضل الله نوری و حاجی میرزا حسن تبریزی به شاه عبد العظیم رفته . . بست نشستند و با مجلس و مشروطه بدشمنی پرداختند و مشروطه خواهان را بابی و طبیعی و بیدین نامیدند و در هر جا میان ملایان و آزادیخواهان دو تیرگی افتاده کم کم کار بجنگ و خونریزی کشید که در تبریز ملایان یکوی دوچی گرد آمده انجمنی بنام اسلامیه بر پا کردند و تفنگ بدست پیروان خود داده بجنگ واداشتند و چهار ماه بیشتر در میان کویها خون ریزی میشد تا ملایان شکست یافتند و از شهر بگریختند و آزادیخواهان فیروز در آمدند .

چرا چنین شد ؟ . . . چرا آن همدستی میانه آزادیخواهان با ملایان باین جنگ و خونریزی تبدیل یافت ؟ . . . علت را ما نیک میدانیم : ملایان در آغاز کار معنی مشروطه را نمیدانستند و چنسان می پنداشتند که آن جنبش بسود ایشانست و آزادیخواهان که میکوشیدند رشته کار ها را از دست دربار بگیرند برای سپردن بدست ایشانست . ولی کم کم وارونه آن را دیده این دریافتند که آزادیخواهان خود یکدسته جدائی هستند و چنین میخواهند که رشته کارها جز در دست خودشان نباشد و بملایان نیز میدانی نخواهند داد و این بود برنجش و دشمنی برخاستند . از آنسوی آزادیخواهان میانه مقاصد خود با گفته های ملایان تناقض آشکاری دیده هیچگونه سازشی در میانه پیدا نکردند . زیرا آزادیخواهان از روی عقیدهٔ دموکراسی حکومت (پاسررشته‌داری) را حق خود توده واختیار آن را در دست مجلس شوری میشناختند و چنین می گفتند که هرفردی از ایرانیان باید فرمانبرداری ازمجلس را بخود واجب داند ، وقانون اساسی و دیگر قانونها را محترم شمارد ؛ و هر کس در آرزوی پیشرفت کشور بوده از جان و دارائی خود در آنراه دریغ نگوید ، و کشتن و کشته شدن درراه کشور را مایه سرفرازی خود و خاندانش شناسد .

درحالیکه ملایان می گفتند : حکومت حق ماست و هر دولتی چه استبدادی و چه دموکراسی — که برروی کار آید جائر و غاصب میباشد ، مردم باید مالیات باو ندهند ، بسربازی نروند ، اگر دستشان رسید از پول آن بدزدند ، هر کسیکه درجنگهای دولتی کشته شود اورا مرتد و بیدین میشماردند

آن مقاصد آزادیخواهان بود و این گفته های ملایان که هیچگونه سازشی باهم نتوانستی داشت ، و چون آزادیخواهان مردان خون گرمی بودند که با یک غیرت و مردانگی بکوشش برخاسته و پیشرفت و نیروزی کشور را یگانه آرزوی خود می دانستند این بود ملایان را با آن گفته هاشان دشمن کشور میشناختند و برانداختن ایشان را بخود واجب می‌دانستند از اینسوی ملایان نیز دستگاه خودرا درشرف نابودی دیده ازهیچگونه دشمنی باآزادیخواهان خود داری نمی توانستند . اینبود انگیزه آنکه همدستی در میان آزادیخواهان مبدل بدشمنی و خونریزی گردید .

شنیدنی آنست که دراین کشاکش و خونریزیها آقایان علمای سه گانه در نجف و سه سید در تهران و ثقة الاسلام و دیگران در تبریز پشتیبانی از آزادیخواهان می نمودند و با آنکه خود از گروه علما می بودند چون گفته های آنان را آشکاره بزیان کشور و . . . می دانستند جوانمردانه و یکدلانه از آنان بیزاری می نمودند .

از اینجا و از آنجا

احمد میرزا



چون محمد علیمیرزا به پادشاهی رسید احمدمیرزا را بولیعهدی برگزید و سپس که محمد علی میرزا برافتاد آزادیخواهان اورا بپادشاهی برگزیدند چون اینجوان از نخست با مشروطه بزرگ شده بود و مشروطه خواهان اورا به پادشاهی رسانیده بودند امید بسیار باو بسته میشد، ولي این امید بیجا در آمد و آنشاه اثری از خود در تاریخ مشروطه جز نام نگزاشت و چنانکه می دانیم در سال ۱۳۰۷ از پادشاهی خلع گردید و قاجاریان برافتادند .

این عکس احمد میرزا را در هنگام ولیعهدیش که بچه ای بیش نبود نشان میدهد و رختی که در تن اوست رخت نظامی آن روز است .

آیا جنگ بایران خواهد رسید ؟ . .

این پرسشیست که او دل بیشتر مردم میگذرد و چه بسا بزبان هامی آید راستی را آیا جنگ بایران خواهد رسید؟ .

آنروزیکه در سال ۱۹۳۹ جنگ در میان آلمان و لهستان در گرفت و سپس انگلیس و فرانسه پا در آن نهادند ما همچون کسی که آواز غوغائی را از بسیار دور بشنود باکی نمیکردیم و تنها زیانی که از رهگذر آن برای خود می پنداشتیم این بود که کالا های اروپائی دو بازار گران گردد و از آنسوی بازرگانی ما با اروپا بطلمه یابد ، بیش از این باکی نمیکردیم ، و چون دولت ایران که آنروز فروشکوهی داشت بی‌طرفی از خود نموده و از آنسوی ما از میدان جنگ ده هزار ها کیلومتر دور بودیم از اینرو کمتر کسی میاندیشید که روزی بیاید و جنگ تا بیخ گوش ما برسد و ما دچار بیم و ترس گردیده اینهمه آسیب و زیان بما وارد گردد .

ما از سالها پیش میدانستیم که اگر این بار جنگ در میان دولت های اروپا در گیرد بسیار سخت تر و زیانمند تر از جنگ سال ۱۹۱٤ خواهد بود . کسانی اگر نوشته های دارنده پرچم را در پیمان و آئین خوانده‌اند میدانند که بار ها این جنگ و برانی پیش بینی شده‌است این جنگ برای دولتهای اروپا ناگزیری بود و بایستی گرفتار آن گردند و جهان گزند و آسیب فراوان یابد . این نتیجه آن راهیست که اروپا برای زندگانی گرفته است .

از آنسوی چون این جنگ آغاز یافت ما همیشه می گفتیم این کشاکش و خون ریزی سالها در میان خواهد بود و پایان آنرا جز خدا نمی داند .

آنروز که پیمان نتاختن بیکدیگر (عدم تجاوز) در میان روس و آلمان بسته گردید که کارشناسان آنرا یکی از علل این جنگ میشمارند و باید گفت راست میگویند در ایران انبوهی از مردم شادمانی مینمودند که چون روسیه بجنگ نخواهد پرداخت ما از آتش دور خواهیم ماند و آسیب و زیان نخواهیم دید . ولی نویسنده این گفتار بار ها می گفتم این پیمان با اصول سیاست راست نمیاید بزرگی آلمان برای روسیه بیم آور است و این دوسیاست یک اصلیست که دشمن را نگزارند بزرگ شود اینست این پیمان شگفت مینماید و بهرحال دانسته نیست هم چنان استوار بماند ، و بارها جنگ را در میان اندو دولت پیش بینی می نمودم . بویژه با کینه ورزی که دسته نازی با حزب کمونیست می نمود و این چیزیکه پنهان بماند نمی‌بود .

اینها پیش بینی هائی بود که میکردیم ولی کمتر گمان میبردیم که نقشهٔ آلمان در جنگ با روس تاختن بقفقاز خواهد بود و بدینسان جنگ تا بیخ گوش ما خواهد رسید . کمتر گمان میبردیم که متفقین سپاه از روسیه و لهستان و هند و پاکستان و امریکا بایران خواهند آورد و در اینجا باماد گیهائی خواهند کوشید .

هرچه هست ما اکنون در برابر چنان پرسشی میباشیم و باید بان پاسخ دهیم . اگرچه پاسخ راست و روشن را باین پرسش خود حوادث خواهد داد . این حوادثست که باید نشان دهد آیا آتش نابودکننده جنگ بکشور ما خواهد رسید یا نه . ولی این در نهاد آدمی نهاده که در چنین هنگامی شکیبائی نمیتواند و تا رسیدن خود حوادث ایستادگی نمیکند . بلکه دلش میخواهد که پیش از آنکه حوادث رخ دهد به پیش بینی درباره آن پردازد ، و این یک چیز بدی نیست زیرا آدمی اگر حوادث را پیش بینی نمود میتواند برای ایستادگی در برابر آن آماده تر گردد و اگر چاره جوئی نیاز هست از کوشش باز نمی ایستد . چیزیکه هست چنانکه بارها گفته ایم باید در پیش بینی اندازه نگه داشت و رشته اندیشه را بدست پندار و گمان نسپرد .

این بما ایرادی نیست که اکنون که جنگ تا بقفقاز که همسایه خاک ماست رسیده در پرسش و جستجو هستیم که آیا بکشور ما نیز خواهد رسید ؟ . و در این باره با گفتگوهائی پردازیم . اینست ما نیز در پرچم باین یکرشته گفتار ها آغاز می کنیم و چنانکه خوانندگان می دانند ما در اینگونه گفتارها یک بار شیوه بیطرفی را پیش میگیریم و تنها مقصودمان روشن گردانیدن اندیشه ها میباشد .

همه میدانیم که دولت ایران با متفقین پیمان همدستی بسته است و ما بیطرف نیستیم . ما هم این را فراموش نکرده‌ایم ولی در گفتگو از حوادث و در پیش‌بینی درباره آینده باید یکبار بیطرفی بر گزینیم و خود را از احساسات و کینه‌جوئی بر کنار گردانیم تا بتوانیم بحقایق نزدیکتر باشیم اینرا می نویسم که مایه رنجش و گله برخی از خوانندگان نباشد .

جناب آقای وزیر خواربار

چون خارج شهر بودم در عرض جواب شرحی که در جرائد مرقوم فرموده اید تاخیر شد با توجه بحسن نیت و ذکاوت ذاتی که در شما سراغ دارم قبول و ترتیب اثر دادن بموضوع موهوم و بی اساس برای ارادتمند مایه حیرت است بشهادت خدا و تاریخ در جوانیکه شمشیر در کمر داشتم کسی را تهدید نکردم چه رسد بامروز که پیر و علیلم و عصا در دست دارم از خدا میخواهم سالیان سالی زنده بمانید و در جدائی که برای نان مردم فرموده و میفرمائید موفق و مؤید باشید — ۱۱۵۳ — جدایار

گزارش کشور

ملاقات با آقای نخست وزیر

ساعت ۵ بعد از ظهر روز گذشته آقای تیمسار سرتیپ ریاضی معاون وزارت جنگ در کاخ ابیض حضور یافته و آقای نخست وزیر را ملاقات و راجع به امور مربوطه وزارت جنگ دستورات لازمه دریافت داشتند .

از مراغه

در اثر افزودن نرخ نان از طرف دارائی محل و شیوع خبری دایر براینکه دولت مازاد غله مالکین را تنی ۳۵۰۰ ریال خریداری خواهد نمود از دو سه روز پیش نرخ نان آزاد فوق‌العاده بالا رفته و نانواخانه‌ها خیلی ازدحام و خریدن نان به نرخ شهرداری برای اشخاص آبرومند غیرمقدور شده‌است دیشب بسیاری از مردم بی‌دست و پا گرسنه خفته‌اند ، ولگردان واشخاص بیسرو پا در نانواخانه ها جمع وهیاهو برپا کرده و نمیگذارند نان بدست دیگران نیز برسد و ازطرفی چون قیمت نان آزاد در دهات اطراف از نرخ شهرداری گرانتراست روستائیان بشهر هجوم آورده و نانواخانه‌ها راپر کرده‌اند اقدامات شهرداری هنوز هیچگونه سودی برای بهبودی وضع حاضر نه بخشوده است .

۲ — بواسطه اختتام برگ جیره بندی بیشتر از ۸۰۰۰ نفر اهالی بدون کوپن مانده و در نهایت درجه فشار و مضیقه هستند و با اینکه یکماه است برگ جیره بندی تمام شده تا کنون ترتیب اثری باین کار داده نشده است .

۳ـ امروز ۲۸ مهرماه هنوز سهمیه ماه جاری در این شهرستان توزیع نشده‌است ومعلوم نیست تا کی نخواهد شد اداره دارائی اقتصادی دراین خصوص نمیخواهد کمترین ارفاقی باهالی شهر نموده واقلا مطابق مقررات سهمیه هرماه رادرموقعش توزیع نماید .

وضع شعبه های فروش کالاهای انحصاری در مراغه

چنانکه همه میدانند دولت فقط به منظور مساعدت درماندگان چند رقم کالای انحصاری را (قند — چای — تریاک — کبریت — سیگار — قماش) بوسیله اداره اقتصادی در دسترس عموم گذارده چون اداره خود نتواست مستقیما بین توده قسمت نماید لذا قرار شد در شهرستان چند نفری از مردم دیندار و با انصاف بنام عاملین معین و در میان توده بطور تدریج و تساوی آن کالا ها را بفروش برسانند — در مراغه ده شعبه تعیین کردند متاسفانه صرف نظر از تمام کالا های دیگر روزانه بهر شعبه ۲۹ لول تریاک وهر یکی را ۱۴۹ ریال میدهند و آن عاملین با انصاف و با وجدان حد اکثر پنج اول آنرا گرام گرام کرده آنرا نیز باطرافیان و کسانیکه داد فریاد کرده ومیتوانند حرفهای خودرا بجائی برسانند میفروشند باقی را بطور قاچاق هر لول را از ۲۰ تا ۳۲ ریال میفروشند تنها از تفاوت تریاک روزانه ۱۵ و ۲۵ وبعضی که دو شعبه دارند تا ۶۰ تومان سود می برند .

از مهاباد

۱ — اهالی عراق که مانند مور و ملخ و مسلح بمهاباد و اطراف آن هجوم آور شده از صدها بار اجناس ممنوع‌الورود بمهاباد وارد و درمقابل آن ارزاق و خواربار این منطقه را بعراق حمل و نظر باینکه قوای دولتی درمهاباد وحومه آن وجود ندارد لهذا کسی نیست که از این تجاوزات منع و جلو گیری نماید در نتیجه عدم جلو گیری بهای ارزاق و اجناس من حیث المجموع ترقی نموده واغلب اوقات نان کم و بزحمت پیدا میشود .

۲ — عمل موسسه شرکت نفط مهاباد معلوم نیست روی چه اصلی میباشد چند روز است به اهالی و اصناف مهاباد نفط نمیدادند که در نتیجه تهاجم و ازدحام اهالی عمال شرکت نفط مجبور شده‌اند درچند محله مهاباد شعبه کوچکی تاسیس نموده و تمام اهالی باید از همان محل‌ها تامین روشنائی خودرا بنمایند اگر چه این عمل نسبتاً رفاهیت اهالی فراهم نموده ولی هر کس ناچار است اقلا مدت یکساعت جهت خریدن نفط و نوبه خود صرف وقت نماید .

۳ — احمد آقا نام سلدوزی با پسرش که درحدود ۱۲ ساله میباشد در مورخه ۱۰ر۷ر۲۱ حین شکار در ۲ کیلو متری شهر مهاباد به دو نفر دزد مسلح تصادف و دو قبضه تفنگ شکاری که نام بردگان داشتند جبراً گرفته ودو ضربت خنجر به پسرش زده و فرار میکنند سپس موضوع از طرف مأمورین انتظامات شهری تعقیب یکنفر از دزدهای فراری و دیگری دستگیر شده فعلا در اداره شهربانی محل توقیف و تحت بازجوئی واقع شده است .

۴ — عمرخان شکاك در حدود یکصد نفر تفنگچی‌های خود بمهاباد وارد و پذیرائی از طرف روسای عشایر بعمل آمده و پس از سه روز اقامت درمهاباد مجددا حرکت کرد .

اخبار شهرستان خوی

چند روز قبل گزارشی بفرمانداری رسید که عدهٔ از تجار خواربار وحبوبات امسالی رادر انبارهای خود جمع واحتکار کرده‌اند چون باکمی ارزاق در شهرستان انبار کردن آنها مخالف مقررات تشخیص فورا از طرف دادستان امر بتوقیف آن ها صادر شده و با اعزام مامور از داد سرا اموال مکشوفه آنها را بشرح زیر:

۱ — دویست حلبی روغن زرد از انبار حاجی ابراهیم صابونچی .

۲ — مقدار ۱۰۰ پوط سبزه از منزل حاجی قنبر پرناکی .

۳ — مقدار معتنابهی انواع واقسام خواربار و حبوبات از قبیل (نخود، لپه ذرت، ارزن) و غیره از انبار آقای بخشی مدیر گاراژ بخشی کشف وضبط نموده خود محتکرین را بوسیله شهربانی جلب و به زندان تحویل دادند قضیه فعلا تحت تعقیب است .

آقای دادستان درنظر دارند بزودی ادعانامه آنها را صادر و مطابق قانون منع احتکار کیفر ایشانرا تعیین فرمایند اهالی ازاین اقدامات فرمانداری و دادستان نهایت درجه سپاسگزارند .

از روزیکه آقای رفیعی دادستان شهرستان خوی بدین امر اقدام کرده‌اند خواربار و حبوبات در بازار روز بروز در تزائد بوده و فراوان است .

(۰)

شهرداری خوی برای ساختمان بهداری مبلغ ۶۰۰۰۰۰ ریال هزینه کرده بااین مبلغ فقط پایه های این بنا ساخته شده ولی بعدا از اتمام این ساختمان منصرف شده و هنوز هم ناقص مانده است !

فرماندار وقت اتمام ساختمان بهداری را صلاح ندیده و برای اینکه وسیله و راهی برای حیف ومیل پیدا شود ساختمان دیگر را پیشنهاد کرد .

در نتیجه چهل هزار تومان هزینه ساختمان جدیدی کردند باسم آسایشگاه که بآسایشگاه حیوانات « اصطبل » بیشتر از آسایشگاه انسان شباهت دارد چون در مصالح آن صرفه جوئی کرده بودند پس ازمدت کمی یکی از هم پاشید و دیوار های آن ریخته شده و هیچگونه استفاده از آن نشده و تا این اواخر مثل کاروانسرا های کهنه و متروك و مساجد مخروبه مانده بود فعلا یکعده سربازان شوروی در آنجا منزل کرده اند .

نان شهر کرد

چند روزی است محشر بزرگی در دردکانهای خبازی برپا شده وخرید نان برای مردم یك امر مشکلی گردیده متاسفانه بیشتر جمعیت متوقف در دکان از کسانی هستند که شغل آنها مزدوری است و حقوقشان بیش از پنج الی شش ریال نیست و ناچارند برای تهیه چند دانه نان جهت خود و عائله بیچاره‌شان از کسب و پیشه خود صرف نظر نموده و وقت خودرا دردکان خبازی بسر برند یا از کارمندان جزء ادارات میباشند بااینکه بخش چهار محال دارای دویست هزار نفر جمعیت و محوطه ایست حاصلخیز بلکه زرخیز وهنوز جمع آوری محصولات آنها بپایان نرسیده و اینطور خرید نان امر مشکلی گردیده است پس وای بفردای زمستان نه‌تنها نان شهر کرد سخت میباشد بلکه اکنون مدت چهارماه است که ابدا اسمی ازکوپن قند وشکر وقماش برده نشده ومردم ناچارند قند وشکر و قماش لازمه خودرا بابهای گرانی تهیه نموده و بمصرف برسانند .

مجلس شوری

صدمین جلسه مجلس شورای ملی روز سه شنبه ۵ آبان ماه یکساعت و نیم پیش ازظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل صورتجلسه پیش خوانده وتصویب شد .

آقای رئیس — قبل‌از اینکه بنده حضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شوم . بحضور علیا حضرت ملکه (مادر اعلیحضرت) رسیدم و وقتیکه درخصوص اوضاع مردم صحبت شد بقدری این خانم بزرگوار از سختی و بدبختی مردم و کمی خواربار متاثر شده بودند که حد ندارد .

بنده عرض کردم شما که باندازه خود مرحمتتان را از مردم دریغ نفرموده‌اید فرمودند درست است ولی با وجود این میخواستم ترتیبی داده شود که بهتر بینوایان استفاده کنند و مقصود من اینست که بدون قیمت این گندم بمردم داده شود .

آقای ایقوانی — کاش مجلس هم از اینکار ها بکند

آقای طباطبائی — بنده‌خواستم از وزارت دارائی سؤالی در باره وضع نان و گرفتاری مردم بنمایم «شرح مفصلی درخصوص شلوغی دکانهای نانوائی و حوادثی که درنتیجه ازدحام مردم پیش آمده دادند» خود آقای وزیر خواربار فرمودند جمع آوری غله تمام شده است . بهتر است توضیح دهند . چقدر جمع آوری شده در کجاست درتهران چقدر است در شهرستانها چه مقدار است . این موضوع کوچکی نیست چـرا در مقابل محتکرین سستی میکنید ؟ جوابی از وزیر خواربار دیدم در مقابل یك محتکر که درروزنامه‌ها نوشته شده بود . این مردیکه متجاسر و متمرد است صریحا تهدید بقتل کرده بفرستید مامور حکومت نظامی او را بیاورد مردمان عجیبی دیده میشوند که پس از آنکه در مقابل دکان نانوائی ایستادند و نان بدست نیاوردند میروند ولی اینجا این مرد که گویا سابقه سرلشکری‌هم دارد باشکم سیر این کارها را می کند و بعد هم تهدید بقتل میکند .

موضوع دیگر هم قضیه مهاجرین است . در صحبتی که با رئیس شهربانی شدایشان گفتند . جمعیت تهران در حدود ۷۵۰ هزارنفر شده است این طور وباین شلی نمیشود کارکرد باید از این مهاجرین جلو گیری کرد .

یادداشتهائی بمن داده شده در خصوص اینکه یهودیها مشغول جمع آوری مواد غذائی هستند . در ایستگاه تهران کارخانهٔ درست شده بود برای ساختن کلاه ، شاپوحالاهمانرا بکار برده اند برای خشك کردن سیب زمینی « آقای نبیل سمیعی — اینهم یکنوع کلاهیست که ساخته میشود » نامه نیز نوشته شده از طرف کشاورزان زوند که کارخانه قند قیمت چغندررا خرواری ۷ تومان معین کرده و این عمل معقولی نیست آقای فرخ در پاسخ آقای طباطبائی توضیحات کافی داده و اظهار داشتند بحمدالله جای نگرانی در بین نیست و آرد سه روزه هم حتی جلوتر بنانوا ها داده شده است و ممکن است بروند آقایان به بینند و جای هیچ نگرانی و اضطرابی در بین نیست وکلیه تعهدات هم جمع آوری نشده و عدهٔ که ازدادن مازاد خودداری کرده اند بازداشت شده اند و راجع به محتکرین هم کوچکترین ارفاقی نخواهد شد .

و راجع بموضوعی هم که اشاره فرمودند‌ تذکر میدهم که هر یك ازوزارتخانه هامسئولیت ووظیفهٔ جداگانه‌دارند ، فقط بنده‌از آن انتشارخواستم عموم‌رامطلع سازم که با همه این تهدیدات از انجام وظایف خود خودداری نخواهم نمود بـالا بردن قیمت هم بعهده بنده نیست وزارتخانه های مربوطه بایستی انجام دهند .

مجلس وارد دستور شد . لایحه متمم بودجه مورد شور قرار گرفت

ماده ۳۸ خوانده شد . آقای مخبر فرهمند در خصوص گرفتاریهای مختلف کارمندان دولت با ترقی روز افزون کالا ها و حقوق ثابت آنها بیاناتی نمودند و در خاتمه پیشنهاد نمودند که کلیه کارمندان دولتی از تاریخ استخدام از کلیه‌مزایای قانونی استفاده نمایند .

آقای نراقی — تنها در این ماده است که قانون برای جوانان فاضل و دانشمند ، که امید های آتیه این کشور هستند امتیازاتی قائل شده‌است و این ماده ۳۸ تا اندازه اشکالاتی که در استخدام لیسانسیه ها بین قانون استخدام کشوری و قانون اعزام محصل باروپا پدید میآمد رفع نموده است ولی برای اینکه مجددا چنین اشکالی بر نخوریم باید معین شود که این قانون از چه تاریخی باید عملی شود . بنده و آقای مخبر فرهمند و آقای طوسی و آقای معدل چنین پیشنهادی کردیم و تقاضا نمودیم که از تاریخ استحقاقشان قابل‌اجرا باشد .

آقای اردلان با پیشنهاد آقایان موافقت فرمودند و اظهار داشتند که این موضوع مدتی است مورد توجه قرار گرفته و همیشه استحقاق و سابقه خدمت مورد توجه قرار میگیرد و وزیر هم کارش همین است .

آقای ملك مدنی رئیس کمیسیون بودجه که بعنوان مخبر کمیسیون وظیفه دفاع از لایحه را داشتند با پیشنهاد آقایان موافقت نموده‌واظهار داشتند که این ماده بخودی خود نظر آقایان را تامین مینماید.

آقای معدل در خصوص پیشنهاد بالا اظهار نظر نموده و بیان نمودند که منظور اینست که بوسیله این ماده‌از جوانان‌تحصیل کرده و خدمتگذار کشورتشویقی بعمل آید و منظورما‌هم‌اینست که‌وقتی مستخدم مورد استحقاق است قانون راه برای رفیع باو بدهد .

پس از بیاناتی که آقای بیات فرمودند بالاخره ماده ۳۸ بترتیب بهتری اصلاح شد و نوشته شد از تاریخ استحقاق قابل اجرا باشد .

آقایان بیات و امیر تیمور در خصوص معین کردن وضع مهندسین اختصاصی و استخدام آنها بیاناتی نمودند که باموافقت مخبر کمسیون قرارشد ماده ئی تنظیم و تقدیم مجلس گردد .

بماده ۳۸ رأی گرفته و تصویب شد . ماده ۳۹ خوانده شد آقای فرمان فرمائیان بیاناتی نمودند که پس پس از توضیحات آقای اعتبار و آقای دکتر سیاسی وزیر فرهنگ عموم موافقت خود را اعلام نمودند در این بین آقای انوار یادی از قانون اساسی نموده و اظهارداشتند کجا رفت انجمن ولایتی کو انجمن‌ایالتی نمایندگان با هیاهو اعلام داشتند این موضوع بیمورد است وربطی باین ندارد . بماده ۳۹ رای گرفته و تصویب شد . ماده چهلم خوانده شد .

ماد چهل و یکم به پیشنهاد آقای مخبر کمسیون خوانده نشد و بجای آن ماده ٤٥ قرائت شد آقای منشور در باره تعلیم و تربیت مدارس و لزوم دقت و توجه بیشتری در آنها توضیحات کامل و مفصلی دادند .

آقای دکتر سیاسی در خصوص فروش زمینهای کاخ امریکائی و اعمالی که درسابق انجام گرفته بود توضیحات روشنی دادند سپس در پاسخ آقای منشور درباره کتابهای مدارس بیاناتی نموده و اظهار داشتند که بواسطه گرانی لوازم و مخارج چاپ تا آنجائی که ممکن بوده اقدام شده ولی هنوز کلیه آنها حاضر نشده است .

راجع بفرهنگ اصولا چه آنهائی که‌صلاحیت دارند و چه آنهائیکه‌صلاحیت ندارند در اینخصوص در جراید اظهار نظر هائی میکنند ولی متاسفانه غالب این نظرها دور از حقیقت و خالی از اطلاعات است ولی باینهمه تصدیق میکنم که برای تاسیس فرهنگ درست خیلی کار ها باید بکنیم ولی کارهای عمیقی نه سطحی و بنده باید اعلام کنم که خیلی کارهای خوبی انجام گرفته است . و برای اصلاح فرهنگ مشغول هستم ، اقداماتی شده است و اقداماتی هم خواهد شد و برای این منظور لازم است مساعدت مجلس شورای ملی را جلب کنم . اما راجع بمردودین که یکی از نماینده گان محترم کتبا هم سئوال کرده اند لازمست عرض کنم که به‌تمام مقامات ای مردودین مثبت شده‌اند ، اینکه میگویند امسال بیشترمردودشده‌اند حقیقت ندارد زیرا امتحانات خرداد ماه را باید سنجید نه اینکه امتحانات شهریور را . علت اینکه در شهریور مامزیاد رد شده‌اند برای اینستکه بدبختانه مردودین خردادماه ظهارمیکردند که چون سال گذشته سال غیر طبیعی بوده اجازه داده شود ماهم در امتحان شرکت کنیم . برخلاف مقررات همیشگی وزارت فرهنگ امسال مردودین هم در امتحانات شرکت کردند و این باعث شد که عده مردودین بنظر زیاد بیاید . بعلاوه در خرداد ماه محصلین متفرقه پذیرفته نمیشوند ولی در شهریور پذیرفته میشوند وغالب این اشخاص کسانی هستند که تحصیلات منظمی ندارند و اینست که نتیجه امتحانات اینطور شده‌است بین ما ارفاق و گذشت ومسامحه خیلی رواج دارد واوضاع را خیلی جدی نمیگیریم و این باعث میشود که قوانین را آنطور که باید محترم نمیداریم و شعائر ملی‌را حفظ نمیکنیم وبه آئین های مذهبی و ملی واصول‌چندان پابند نیستیم و برای رفع این نقائص بنده عقیده دارم که باید باقدامات فرهنگی متوسل شویم (صحیح است) این اقدامات رادر ضمن لوایحی بعرض خواهم رساند . و تقاضادارم از محترمینی که از بنده تقاضاهائی نموده‌اند و بنده انجام نداده‌ام بنده‌را معذوردارند (صحیح است) آقای طباطبائی بیانات مفصلی درخصوص بدی اوضاع فرهنگ نمودند که آقای وزیر فرهنگ پاسخ مشروحی اظهار داشتند .

آقای امیر تیمور در باره مدارس قدیمه و اینکه بودجه اوقافی آنها صرف سایر هزینه‌ها میشود اظهاراتی نموده واز وزارت فرهنگ تقاضا نمودند که همان توجهی که در باره مدرسه سپهسالار اعمال شده در باره سایر مدارس قدیمه دیگر نیز منظور شود .

بکفایت مذاکرات رأی گرفته و تصویب شد پیشنهادات قرائت ودراطراف آن توضیحات داده‌شد .

به پیشنهاد آقای نقابت در خصوص ایجاد دوره دکتری جهت دانشکده حقوق رای گرفته و تصویب شد .

یکساعت و نیم بعد از ظهر جلسه ختم و جلسه آینده بروز پنج شنبه موکول شد .

تازه‌ترین خبرها

درجبهه خاور — بقراراظهار خبر گزاری انگلیس پس‌از آخرین پیشرفتی که آلمانها در کوی صنعتی کنار ولگا نموده اند . اوضاع استالینگراد فوق‌العاده رو بوخامت نهاده است . ضمنا بطوریکه اظهار اطلاع شده آلمانیها پس از رزمهای فوق‌العاده شدید و موحشی که نمودند موفق شدند بار دیگر نیروی شوروی را عقب زده در یك کوی صنعتی دیگری داخل شوند .

نظریه عمومی خبر نگاران خارجی مشعر بر اینست که نیروی های مدافع ارتش سرخ در رزم های استالینگراد با همه فداکاریها و جانفشانیهائی که برای تقویت آن بعمل آمده است دچار تلفات و ضعف فوق‌العاده شده علاوه نقشه آلمانها که سعی دارند هر چه زودتر خودرا از استپ های سرد و منجمد خلاص نموده در شهر استقرار یابند باعث شده که روز بروز بر فشار نیروی مهاجم بر نیروی مدافع افزوده شود .

سرتیپ رودانتف برای کمك به پادگان محاصره شده مرکز شهر حملات شدیدی شروع نموده که هنوز نتیجه قطعی آن بدست نیامده است .

در عین اینکه شروع سرمای زمستان تا حدی باعث زحمت آلمانها خواهد شد ولی این نکته نیز قابل توجه است که در اثر یخ بندان سواحل رود ولگا و وجود قطعات عظیم یخ در آن رودخانه حمل و نقل ارتش شوروی بینهایت دشوار شده و مانند سابق حتی شبها نیز نمیتوان بمدافعین دلیر آن شهر کمکی رساند .

جبهه مصر — در این جبهه زد و خورد های سخت نیروی زمینی و نیروی هوائی ادامه دارد و در کناره دریا هنوز تیراندازیهای شدید بین هوا پیما های متفقین و آتشبار های ضدهوائی کشتیها و ساحل ادامه دارد و پایان نیافته است .

خبرگزاری های مختلف هنوزدرباره نتیجه حمله متفقین اظهار نظری نکرده همینقدر اطلاع میدهند که ارتش هشتم از لحاظ مهمات و افراد برتری کاملی دارد .

کوشش‌های سیاسی

امروز بمناسبت تصادف باروز مخصوص ناوگان امریکا روزلت نامه‌ئی بعنوان سرهنگ نوکس وزیر دریاداری نگاشته وطی آن خاطر نشان نموده است که نیروی دریائی امریکا برای آنکه منظور و آرمان مارا با نهایت موفقیت انجام دهد و احراز پیروزی نماید در تمام نقاط جهان بنبرد پرداخته‌است رئیس جمهوری امریکا ضمن تهنیت و درود کارکنان ناودان و بطور کلی درود به یکصد وسی میلیون میهن پرستان کشور های متحد امریکای شمالی اعلام داشته که از عملیات متهمی که در این جنگ صورت گرفته کمال مباهات رادارد و کاملا متوجه اهمیت این عملیاتی است که برای حفظ آزادی نوع بشر میشود .

وندل ویلکی طی نطقی که در برابر رادیو ایراد نمود مجددا ایجاد جبهه دوم را در خواست کرد ما باید این فکر را که متفقین وقسمت مختلف یعنی کشور های درجه اول و کشورهای درجه دوم تقسیم شده‌اند یکلی از خاطر خود محو کنیم ما باید نزد کلیه متفقین برای نمایندگی خود مردان بلند پایه‌ای اعزام داریم که اعتماد بخود داشته و جرئت آنرا داشته باشند که کلیه حقایق را برئیس‌جمهور امریکا اطلاع دهند . مسئله هندوستان کاملا مربوط و متعلق بما میباشد و اگر این اراضی وسیع این کشور را بتصرف در آورد ما در آنجا دچار شکست خواهیم شد و همانطور مسئله جزایر فیلیپین مربوط بانگلستان میباشد و اگر ما نتوانیم بنیروی اسلحه وعده استقلالی‌را که بجزایر فیلیپین داده‌ایم ایفا نمائیم کلیه کشور صلحجو دچار شکست خواهند شد

آگهی

وزارت پست و تلگراف و تلفن در تعقیب آگهی مورخه ۱۶ر۲ر۲۱ باطلاع عامه میرساند که در نامه هائیکه بمقصد کشورهای بیگانه ارسال میگردد باید نام و نشانی کامل فرستنده در پشت پاکت قید و در جلوی پاکت تصریح شود نامه بچه زبانی نوشته شده است و نیز در ذیل تلگرافات باید نام ونشانی کامل فرستندگان ذکر شود . ۱۱۵۰ ۲—۲

وزارت پست و تلگراف و تلفن

جای اداره — لاله‌زار کوچهٔ مهران

تلفون — ۶۰۲۶ تك شماره‌درهمه‌جا ۵۰ دینار

چاپخانه تجدد ایران